



## الدرس الاول

محتوا در یک نگاه

قواعد این درس شامل اسم تفضیل و اسم مکان می باشد.



## درسنامه

اسم تفضیل = اسم مکان

اسم تفضیل

اسمی است که مفهوم برتری یک صفت را بیان می‌کند و یکی از موارد زیر می‌باشد:

الف) کلمه بر وزن‌های «أفعل» و «فعلی» به جز رنگ‌ها و عیب‌ها . مثل : اکبر کبری

رنگ‌ها و عیب‌ها: ( با اینکه بر وزن «أفعل» هستند ولی اسم تفضیل به حساب نمی‌آیند.)

عیب‌ها		رنگ‌ها	
مؤنث	مذکر	مؤنث	مذکر
فَعْلَاء	أَفْعَل	فَعْلَاء	أَفْعَل
حَمَقَاء	أَحْمَق	سَوْدَاء	أَسْوَد
عَمِيَاء	أَعْمَى	بَيْضَاء	أَبْيَض
بَكَمَاء	أَبْكُمْ	حَمْرَاء	أَحْمَر
صَمَاء	أَصَمَّ	زَرْقَاء	أَزْرَق
عَوَجَاء	أَعْوَج	خَضْرَاء	أَخْضَر
عَرَجَاء	أَعْرَج	صَفْرَاء	أَصْفَر
حَوْلَاء	أَحْوَل	سَمْرَاء	أَسْمَر

در جملات زیر اسم تفضیل‌ها را مشخص کن.

٢) اشتریتُ أَجْمَلَ قَمِيصٍ لِوَالِدِي

١) هَذِهِ الْمُرَضَّةُ مِنْ أَحْسَنِ مُرَضَّاتٍ فِي هَذَا الْمُسْتَشْفَى.

٤) أَكْثَرُ خَطَايَا الْإِنْسَانِ مِنْ لِسَانِهِ

٣) لَوْنُ أَوْرَاقِ الْأَشْجَارِ فِي الْخَرِيفِ أَصْفَرٌ.

ب) کلمه بر وزن‌های «أفل» و «أفعی».

مثال:

أقلّ - أشدّ - أضلّ      أبقى - أخفى - أقوى



اسم تفضیل‌ها را در جمله زیر مشخص کن .

«رَأَيْتُ أُخْتِي الْكَبِيرَى وَ قَدَمْتُ إِلَيْهَا قَمِيصاً أَحْمَرَ وَ الْهَدَايَا، أَحَقُّ بِهَا، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْبَاقِي!»

ج) دو کلمه‌ی «**خیر و شر**» به شرطی که به معنی «**بهتر - بهترین**» و یا «**بدتر - بدترین**» باشند اسم تفضیل هستند.

} شر

} خیر

بد نیست بدانید که این دو کلمه، معمولاً در صورتی که به همراه ..... آمده و یا ..... باشند، در معنای اسم تفضیل استفاده می‌شوند، البته گاهی اوقات نیز ممکن است بدون داشتن دو شرط گفته شده معنای اسم تفضیل بدهند، پس مطمئن‌ترین راه برای تشخیص اسم تفضیل بودن یا نبودن این دو کلمه، توجه به ترجمه آنها در جمله است.

ضمناً زمانی که «**أل**» داشته باشند، یا زمانی که بعد از «**لا نفی جنس**» آمده باشند و یا نقش «**صفت**» داشته باشند (به همراه موصوف آمده باشند) اسم تفضیل نیستند.

لا خیر فی ودّ امرئ متلوّن	ربّ اجعل فی هذا السفر خیراً کثیراً	جاء الخیر حینما انفتحت باب المنزل
خیر الأصحاب من یدلّک علی الخیر .	والله خیر حافظا و هو أرحم الراحمین.	ربّ هب لی خیر الدنیا و الآخرة

اسم تفضیل بودن یا نبودن «**خیر**» و «**شر**» را در جملات زیر مشخص کن.

۱) إعمل الخیر لکسب رضا الله!

۲) خیر الأعمال عند الله أخفاهها!

۳) إجتنبوا من الشرّ لآنّه ینزل شأن الإنسان!

۴) اللّهم انی لما أنزلت إلیّ من خیر فقیر!

نکته :

آخر (پایان) اسم فاعل است و مؤنث آن می‌شود (آخره)

آخر (دیگری) اسم تفضیل است و مؤنث آن می‌شود (آخری)



نکته : اسم‌های تفضیل در صورتی که مضاف باشند (مضاف‌الیه داشته باشند)، همراه با «ترین» ترجمه می‌شوند و اگر بدون مضاف‌الیه باشند ، همراه با «تر» ترجمه می‌شوند.

أنت أفضل الطلاب خلقاً: تو برترین دانش آموزان از نظر اخلاق هستی.  
 أنت في جميع المجالات أفضل مني: تو در تمام زمینه‌ها از من برتر هستی .

جملات زیر را ترجمه کنید :

- ١) احترق أكبر البيوت في هذه القرية ليلة أمس!
- ٢) صديقي الأفهم أحسن إلي والديه تكريماً لهما!
- ٣) استطعت أن أقرأ أصعب الكتب في مجال الأدب!
- ٤) تنتخب هذا الشاب من بين الشباب و هو أعلمهم بالقرآن!

تذکر: جمع مکسر اسم‌های تفضیل بر وزن «أفاعل» ساخته می‌شود.

مثال: أكبر (أكابر)

برای تعیین وضعیت اسم‌های جمع همواره باید به مفرد آن‌ها نگاه کنید، مثال‌های زیر را ببینید تا اهمیت این موضوع را بیشتر درک کنید.

مثال : أساور – أوامر – أماكن

تذکر: اسم تفضیل در حالت مقایسه بین دو اسم مونث با وزن «أفعل» ساخته می‌شود.

مریم أفضل من زهراء علماً و أدباً.

اما زمانی که اسم تفضیل دارای «أل» باشد و نقش صفت داشته باشد باید با موصوف خود از نظر جنسیت مطابقت کند.

أخي الأكبر

أختي الكبرى

صحيح يا غلط بودن اسم تفضیل را در جملات زیر مشخص کنید.

١) الحديقة الصغرى مع الأشجار المثمرة أحسن من الحديقة الكبرى من دون الأثمار.

٢) الإخوان الذين يساعدوننا في أمورنا الصعبة خير إخوان في حياتنا.

٣) إن الأعمال التي نعملها لكسب الحلال فضلى من بقية أعمالنا.

٤) ساعات تفكرنا في اليوم الواحد أقل من نومنا عادةً.

دقت کنید وزن‌های «أفعل – أقل – أفعی» ممکن است فعل ماضی باب «إفعال» باشند( البته اگر بدون علامت باشند، مضارع متکلم وحده

نیز می‌توانند باشند ) که در سوالات تشخیص اسم تفضیل از این نکته زیاد استفاده می‌شود.



در جملات زیر به کمک ترجمه اسم تفضیل را پیدا کنید.

(۱) خُلِقَ صَدِيقِي أَحْمَدَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ سَائِرِ أَصْدِقَائِي!

(۲) لَدَى كِتَابٍ شَعِرَ أَحَبُّ أَنْ أُطَالِعَهُ كُلَّ يَوْمٍ!

(۳) أَحَبُّ مِنْ أَصْدِقَائِي مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عِبُوبِي!

(۴) أَحَبُّ تَدْرِيسِ الْعَرَبِيَّةِ لِأَنَّهَا لُغَةٌ أَنْزَلَ بِهَا الْقُرْآنُ!

اسم مکان: روش ساخت به یکی از دو صورت زیر می‌باشد:

الف) از افعال ثلاثی مجرد: فقط کافی است ۳ حرف اصلی را بر وزن‌های «مَفْعَل»، «مَفْعِل»، «مَفْعَلَةٌ» ببریم. مثل:

مسجد - مدرسه - مکتب

ب) از افعال ثلاثی مزید: روش ساخت دقیقاً مانند روش ساخت اسم مفعول از فعل‌های ثلاثی مزید می‌باشد. مثل:

مستشفى - متحف - مختبر - مستنقع

تذکر: گاهی اوقات اسم مکان با وزن‌های فرعی زیر ساخته می‌شود:

مَفْعَى (مرعی - مأوی)

مَفَال (مزار - مطار)

مَفَلَّ (ممر - مقر)

اسم تفضیل و اسم مکان را در هر جمله مشخص کنید.

(۱) الدُّنْيَا دَارٌ فَانِيَةٌ لِلْمُسْلِمِينَ فِي الْعَالَمِ!

(۲) إِنَّ أَكْبَرَ الْأَدْيَانِ يَذْهَبُونَ إِلَى مَعَابِدِهِمْ فِي الْأَيَّامِ الْمَعِينَةِ!

(۳) اشْتَرَيْتُ السَّرْوَالَ الْأَبْيَضَ مِنْ مَتَجَرِّ صَدِيقِي!

(۴) إِنِّي أَحَبُّ أَنْ أَبْنِيَ لِقُرَّاءِ قَرِينَتِنَا مَسَاكِنَ رَخِيصَةً!

تذکر: جمع مکسر اسم‌های مکان با وزن «مفاعِل» ساخته می‌شود.

مدرسة (مدارس)، مکتب (مکاتب)، مغرب (مغرب)

ولی حتماً باید به مفرد و معنای اسم توجه کنید:

مبالغ (مبلغ)

مطالب (مطلب) ← اسم مکان نیستند

اسم مکان را در هر جمله مشخص کنید.

(۱) اتَّقُوا الْمَوَاضِعَ الَّتِي تُعَرِّضُكُمْ لِلتَّهْمِ!

(۲) يَجِبُ عَلَيْنَا دَعْوَةُ النَّاسِ إِلَى سَبِيلِ رَبِّنَا بِالْمَوَاعِظِ الْحَسَنَةِ!

(۳) فِي مَطَارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ شَاهَدْتُ أَحَدَ أَصْدِقَائِي الْقُدَمَاءِ!

(۴) شَارِكٌ فِي مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ لِتَنْتَفِعَ مِنْ عُلُومِهِمْ!



## خط به خط با مؤلف کتاب درسی

مَوَاعِظُ قِيَمَةٌ / پندهای ارزشمند

(أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ) رَسُولُ اللَّهِ (ص)

محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خداوند، سودمندترین آن‌ها برای بندگانش است.

يُحِبُّ الْأَبَاءُ وَالْأُمَّهَاتُ رُؤْيَةَ أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ، وَلِذَلِكَ يُرْشِدُونَهُمْ دَائِمًا إِلَى الصِّفَاتِ الطَّيِّبَةِ وَالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ،

پدران و مادران دوست دارند فرزندان‌شان را در بهترین حالت ببینند، و برای همین همیشه آن‌ها را به صفات‌های خوب و کارهای شایسته

(درست) راهنمایی می‌کنند،

كَأَنَّ اخْلَاقَ الْحَسَنَةِ، وَتَعَلُّمَ الْعُلُومِ وَالْمَهَارَاتِ وَالْفُنُونِ النَّافِعَةِ، وَالْإِبْتِعَادَ عَنِ الْأَرَاذِلِ وَالتَّقَرُّبَ إِلَى الْأَفْضَلِ، وَالْإِهْتِمَامَ بِالرِّيَاضَةِ، وَ مُطَاعَةَ الْكُتُبِ، وَاحْتِرَامَ الْقَانُونِ، وَالْإِقْتِصَادَ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَالْكَهْرِبَاءِ، وَحُسْنَ التَّغْذِيَةِ وَغَيْرَ ذَلِكَ مِنَ الصِّفَاتِ وَالْأَعْمَالِ ....

مانند اخلاق خوب، و یادگیری دانش‌ها و مهارت‌ها و فنون سودمند، و دوری از فرومایگان و نزدیک شدن به شایستگان، و توجه

(اهمیت دادن) به ورزش، و مطالعه‌ی کتاب‌ها، و احترام نهادن به قانون، و صرفه‌جویی در مصرف آب و برق، و خوب غذا خوردن و

صفت‌ها و کارهای دیگر ....

وَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ نَرَى «لِقْمَانَ الْحَكِيمِ» يُقَدِّمُ لِبَابِهِ مَوَاعِظَ قِيَمَةً، وَ هَذَا نَمُودَجٌ تَرْبَوِيٌّ لِيَهْتَدِيَ بِهِ كُلُّ الشَّبَابِ، فَقَدْ جَاءَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ:

و در قرآن کریم، لقمان حکیم را می‌بینیم که پندهایی ارزشمند به پسرش تقدیم می‌کند، و این نمونه‌ای تربیتی است تا همه‌ی جوانان به

وسیله‌ی آن، هدایت شوند. در قرآن کریم آمده است:

(يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْيًا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ وَ لَا تَصْعَرَ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ

فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ وَ اقْضِ فِي مَشِيكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ) لقمان: ۱۹- ۱۷

پسرکم، نماز را برای دار و به کار پسندیده فرمان بده و از کار زشت بازدار، و بر آنچه که از مصیبت به تو رسیده، شکیبیا باش (بر

آسبیبی که بر تو وارد شده، صبر کن) زیرا آن از کارهای مهم است و از مردم به غرور روی برنگردان (رخ بر متاب) و در زمین با

خودپسندی و شادمانه راه مرو، زیرا خداوند هیچ متکبر (خودپسند) و فخرفروشی را دوست نمی‌دارد و در راه رفتن خود، میانه روی کن

و صدایت را پایین بیاور، زیرا بدترین صداها بی‌گمان، صدای خران است.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ يُحَافِظُ عَلَى الصَّلَاةِ وَ قَتَهَا، فَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ (ع): (إِنَّ عَمُودَ الدِّينِ الصَّلَاةُ)

قطعاً خداوند کسی را که مراقب نماز اول وقتش باشد، دوست دارد، و پیامبر (ص) فرموده است: «قطعاً ستون دین نماز است»

وَ عَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ مُشْتَاقِينَ إِلَى الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ، وَ نَاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ صَابِرِينَ عَلَى الْمَشَاكِلِ وَ الشَّدَائِدِ: فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الْأُمُورِ الْمُهِمَّةِ،

وَ عَلَيْنَا أَنْ تَتَوَاضَعَ أَمَامَ أَسَاتِدَتِنَا وَ أصدقائِنَا وَ زَمَلَانِنَا وَ جيرانِنَا وَ أَقربائِنَا وَ كُلِّ مَنْ حَوْلِنَا:

ما باید مشتاق کارهای درست، بازدارنده از زشتی و بردبار بر دشواری‌ها و سختی‌ها باشیم. زیرا این از کارهای مهم می‌باشد.

وَ عَلَيْنَا أَنْ تَتَوَاضَعَ أَمَامَ أَسَاتِدَتِنَا وَ أصدقائِنَا وَ زَمَلَانِنَا وَ جيرانِنَا وَ أَقربائِنَا وَ كُلِّ مَنْ حَوْلِنَا:

و بر ما لازم است در برابر استادانمان و دوستان و هم‌کلاسی‌ها و همسایگان و خویشاوندان و هر که پیرامون ماست، فروتنی کنیم.



فَقَدْ قَالَ الْإِمَامُ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ، وَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ، إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُعْجَبٍ بِنَفْسِهِ.

امام کاظم (ع) فرموده است: «پند و حکمت در قلب انسان فروتن ماندگار می شود و در دل انسان مغرور (خودبزرگ بین) ستم گر ماندگار نمی شود. بی گمان خداوند هیچ خودپسندی را دوست ندارد.

إِذَنْ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَتَكَبَّرَ عَلَى الْآخَرِينَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ.

بنابراین ما باید خود را از دیگران بزرگ تر ندانیم (نباید به دیگران تکبر بورزیم)؛ زیرا خداوند خودبزرگ بینان را دوست نمی دارد.

عَلَيْنَا أَنْ لَا نَرْفَعَ أَصْوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ الْمُخَاطَبِ، فَقَدْ شَبَّهَ اللَّهُ كَلَامَ مَنْ يَرْفَعُ صَوْتَهُ دُونَ دَلِيلِ مَنْطِقِيٍّ بِصَوْتِ الْحِمَارِ.

ما باید صداهایمان را از صدای مخاطب بالاتر نبریم؛ و خداوند لحن سخن کسی را که صدایش را بدون دلیل منطقی بالا می برد، به صدای خر تشبیه کرده است.

## الْمُعْجَم

إِذَنْ: بنابراین

فُنُون: هنرها «مفرد: فَنٌّ»

قِيم: ارزشمند

استهلاك: مصرف کردن (استهلك، يستهلك)

لَهُ: بی گمان (حرف تأکید)

أَغْضُضُ مِنْ صَوْتِكَ: صدایت را پایین بیاور (غَضٌّ، يَغْضُضُ)

لَا تُصَعِّرَ خَدَّكَ: با تکبر رویت را برنگردان (مضارع: يُصَعِّرُ)

إِقْصِدْ: میانه روی کن (قَصِدٌ، يَقْصِدُ)

لَا تَمْشِ: راه نرو (ماضی: مَشَى / مضارع: يَمْشِي)

أَقِمِ: برپای دار «أَقِمِ الصَّلَاةَ: نماز را برپای دار.» (أَقَامَ، يَقِيمُ)

لِيَهْتَدِيَ: تا راهنمایی شود (ماضی: اهْتَدَى)

اِقْتَصِدْ: صرفه جویی (اِقْتَصَدَ، يَقْتَصِدُ)

مُخْتَالٌ: خودپسند = مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ

أَنْكَرَ: زشت تر، زشت ترین = أَقْبَحُ

مَرَحًا: شادمانه و با ناز و خودپسندی

أَنَّهُ: بازدار = (نَهَى، يَنْهَى)

مَشَى: راه رفتن

أَوْمَرُ: دستور بده «وَأَوْمَرُ + وَأَوْمَرُ = وَأَمْرٌ»

مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ: خودپسند ← إِعْجَابٌ

تَرَبَّوِي: پرورشی

بِالنَّفْسِ: خودپسندی

تَعَمَّرَ: عمر می کند، در اینجا یعنی ماندگار می شود (عَمَرَ، يَعْمُرُ)

مُنْكَرٌ: کار زشت

جَبَّارٌ: ستمکار زورمند «صفت خدا به معنای توانمند»

ناهي: ناه: بازدارنده «جمع: ناهون، ناهين و نُهَادَةٌ»

حَمِيرٌ: خرها «مفرد: حمار»

نَمُوذَجٌ: نمونه «جمع: نَمَازِجٌ»

خَدٌّ: گونه

يُقَدِّمُ: تقدیم می کنأ، پیش می فرستد (ماضی قَدَّمَ)

شَبَّهَ: تشبیه کرد (مضارع: يَشْبُهُ)

حَيٌّ: بشتاب

عَزَمَ الْأُمُورَ: کارهای مهم

أَهْدَى: هدیه کرد

فُخِّرَ: فخر فروش ≠ مُتَوَاضِعٌ



حَسَنَت: نیکو گردانیدی  
 میزان: ترازو (تراوزی اعمال)  
 مایلی: آنچه می آید  
 میز: جدا و سوا کن  
 ساء: بد شد  
 عَذَب: عذاب داد  
 لَأَتَمِّمَ: تا کامل کنم

غَلَبَتْ: چیره شد  
 جادل: بحث کن  
 ضَلَّ: گمراه شد  
 سعر: قیمت «جمع: أسعار»  
 نَوْعِيَّة: جنس  
 مَبَحَّر: مغازه  
 زَمِيل: همکار  
 تَخْفِيف: تخفیف

عَيْنُ الْأَصْحِيحِ وَالْأَخْطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. درست و غلط را طبق متن درس مشخص کنید.

۱. يَجِبُ أَنْ لَا تَرْفَعَ أَصْوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ مَنْ نَتَكَلَّمُ مَعَهُ.

باید صداهايمان را بالاتر از صدای کسی که با او سخن می گوئيم نبريم.

۲. عَلَيْنَا أَنْ نَحَافِظَ عَلَىٰ آدَاءِ الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا.

ما باید مراقب نماز در وقت خودش (نماز اول وقت) باشيم.

۳. قَدَّمَ لِقْمَانُ الْحَكِيمُ لِابْنِهِ مَوَاعِظَ قِيَمَةً.

لقمان حکيم به پسرش پنجاهایی ارزشمند تقديم کرد.

۴. لَا تَعْمُرُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ.

پند و حکمت در قلب انسان فروتن ماندگار نمی شود.

۵. الْأَعْجَابُ بِالنَّفْسِ عَمَلٌ مَقْبُولٌ.

خودپسندی، کاری پسندیده است.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱): تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ ضَعْ خَطَا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

احادیث زیر را ترجمه کن سپس خطی زیر اسم تفضیل قرار بده.

۱. سئِلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

از پیامبر خدا (ص) سؤال شد: محبوب ترین مردم نزد خداوند کیست؟ فرمود: سودمندترین مردم به مردم است. - أَحَبُّ، أَنْفَعُ

۲. أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيْمَانٍ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

بهترین آراستگی مرد آرامش همراه با ایمان است. أَحْسَنُ





۳. أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

برترین کارها، کسب حلال است. - أَفْضَلُ

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲): تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ. عبارات‌های زیر را ترجمه کن.

۱. (... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ) الْمُؤْمِنُونَ: ۱۰۹

... پروردگارا ایمان آوردیم پس بر ما ببخشای و به ما رحم کن که تو بهترین بخشاینندگان هستی.

۲. (لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ) الْقَدْرِ: ۳

شب قدر از هزار ماه بهتر است.

۳. شَرُّ النَّاسِ ذَوَاوَجْهَيْنِ.

بدترین مردم کسی که دارای دو رو است.

۴. خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

بهترین دوستانتان (برادران شما) کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند.

۵. مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. أمير المؤمنين عليه السلام

هر کس شهوتش بر عقلش غلبه کند پس او بدتر از چارپایان است.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۳): تَرْجِمِ الْآيَاتَيْنِ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

دو آیه و عبارات را ترجمه کن سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.

۱. (وَ جَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ... ) النحل: ۱۲۵

و با آنان به (شیوه‌ای) که نیکوتر است مجادله نمای (ستیزه کن). در حقیقت، پروردگار تو به (حال) کسی که از راه او منحرف شده، داناتر است.

أَحْسَنُ: اسم تفضیل / أَعْلَمُ: اسم تفضیل

۲. (وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى) الْأَعْلَى: ۱۷

با آنکه (جهان) آخرت نیکوتر و پایدارتر است.

خَيْرٌ: اسم تفضیل / أَبْقَى: اسم تفضیل

۳. كَانَتْ مَكْتَبَةً «جندی ساپور» فی خوزستان أكبر مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.

کتابخانه جندی ساپور در خوزستان، بزرگ‌ترین کتابخانه در دنیای قدیم بود.

مَكْتَبَةٌ، مَكْتَبَةٌ: اسم مکان / أكبر: اسم تفضیل



# زنگ عربی

حوار

فی سوقِ مَشْهَد

بائعُ المَلابِسِ (فروشنده لباس‌ها)	الزَّائِرَةُ العَرَبِيَّةُ (خانم زائر عرب)
عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرَحِبًا بَكِ . علیکم السلام . خوش آمدید.	سَلَامٌ عَلَیْكُمْ . سلام علیکم
سُتُونُ أَلْفِ تَومَانِ . شصت هزار تومان.	كَمْ سَعْرُ هَذَا القَمِیصِ الرَّجَالِیِّ؟ قیمت این پیراهن مردانه چند است؟
عِنْدَنَا بِسَعْرِ خَمْسِیْنَ أَلْفِ تَومَانِ . تَفَضَّلِی أَنْظَرِی .	أُرِیدُ أَرخَصَ مِنْ هَذَا . هَذِهِ الأَسْعَارُ غَالِبَةٌ .
بِهَ قِیْمَتِ پَنجَاهِ هِزَارِ تَومَانِ دَارِیْمِ . بفرما ببین .	ارزان‌تر از این می‌خواهم . این قیمت‌ها گران است .
أَبِیضٌ وَ أَسْوَدٌ وَ أَزْرَقٌ وَ أَحْمَرٌ وَ أَصْفَرٌ وَ بَنَفْسَجِیٌّ . سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش .	أَیُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمُ؟ چه رنگی دارید؟
تَبْدَأُ الأَسْعَارُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِیْنَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِیْنَ أَلْفِ تَومَانِ . قیمت‌ها از هفتاد و پنج هزار شروع می‌شود تا هشتاد و پنج هزار تومان .	بِكَمْ تَومَانِ هَذِهِ الأَفْسَاتِیْنِ؟ این لباس‌ها (لباس‌های زنانه) چند تومان است؟
سِیدَتِی، یَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النُّوعِیَّاتِ . خانم، قیمت برحسب جنس فرق دارد .	الأَسْعَارُ غَالِبَةٌ! قیمت‌ها گران است!
السَّرَوَالُ الرَّجَالِیُّ بِتِسْعِیْنَ أَلْفِ تَومَانِ . وَ السَّرَوَالُ النِّسَالِیُّ بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِیْنَ أَلْفِ تَومَانِ . شلوار مردانه نود هزار تومان و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان است .	بِكَمْ تَومَانِ هَذِهِ السَّرَاوِیْلُ؟ این شلوارها چند تومان است؟
ذَلِكِ مَتَجَرٌ زَمِیْلِی، لَهُ سَرَاوِیْلٌ أَفْضَلُ . آن مغازه همکار من است . شلوارهای بهتری دارد .	أُرِیدُ سَرَاوِیْلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ . شلوارهای بهتر از این را می‌خواهم .
فی مَتَجَرِ زَمِیْلِهِ ... در مغازه همکارش ...	
صَارَ المَبْلَغُ مِئَتَیْنِ وَ ثَلَاثِیْنَ أَلْفِ تَومَانِ . مبلغ دویست و سی هزار تومان شد . أَعْطِیْنِی بَعْدَ التَّخْفِیضِ مِئَتَیْنِ وَ عِشْرِیْنَ أَلْفًا . بعد تخفیف، به من دویست و بیست هزار بده .	رِجَاءً، أَعْطِیْنِی سَرَوَالًا مِنْ هَذَا النُّوعِ وَ ... كَمْ صَارَ المَبْلَغُ؟ لطفاً، شلواری از این جنس به من بده و... مبلغ چند شد؟



## الْتَمَارِين

الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

تمرین اول: کدام کلمه از کلمات لغت‌نامه درس متناسب توضیحات زیر می‌باشد.

۱. الْمُسْتَبِدُّ الَّذِي لَا يَرَى لِأَحَدٍ عَلَيْهِ حَقًّا: - جَبَّار

زورگویی که برای کسی حقی برایش قائل نمی‌شود (نمی‌بیند): زورگو

۲. الْإِنْسَانُ الَّذِي يَفْتَخِرُ بِنَفْسِهِ كَثِيرًا: - مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ، مُخْتَالٌ

انسانی که به خودش زیاد می‌بالد: خودپسند

۳. حَيَوَانٌ يُسْتَخْدَمُ لِلْحَمْلِ وَالرُّكُوبِ: - حِمَار

حیوانی که برای باربری و سوار شدن به کار گرفته می‌شود: خر

۴. الْعَمَلُ الْأَسَى وَالْقَبِيحُ: - مُنْكَرٌ

(کار بد و زشت: کار زشت)

۵. عُضْوٌ فِي الْوَجْهِ: - خَدٌّ

(عضوی در چهره: گونه)

الْتَمَرِينُ الثَّانِي: عَيْنُ نَوْعِ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ وَ مِيزٌ تَرَجَمَتَهَا. (نَوْعُ: الْمَاضِي، الْمَضَارِعُ، الْأَمْرُ)

تمرین دوم: نوع فعال‌هایی که زیر آن‌ها خط کشیده شده را مشخص کن و ترجمه آن‌ها را نیز مشخص کن.

أَرَادَ قَنْبِرٌ أَنْ يَسَبَّ الَّذِي كَانَ سَبَّهُ: فَقَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ:

مَهَلًا يَا قَنْبِرُ، دَعْ شَاتِمَكَ مَهَانًا تَرْضِ الرَّحْمَنَ وَ تَسْخِطِ الشَّيْطَانَ وَ تَعَاقِبْ عَدُوَّكَ، ... مَا أَرْضَى الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ بِمِثْلِ الْحِلْمِ، وَ لَا أَسْخَطُ الشَّيْطَانَ بِمِثْلِ الصَّمْتِ، وَ لَا عُوقِبَ الْأَحْمَقُ بِمِثْلِ السُّكُوتِ عَنْهُ.

قنبر خواست به کسی که به او ناسزا گفته بود، دشنام دهد، پس امام علی علیه السلام به او فرمودند: ای قنبر آرام باش، دشنام مگوی خود را خوار رها کن تا (خدای) بخشاینده را خشنود و اهریمن را خشمگین کنی و دشمنت را کیفر داده باشی. مؤمن پروردگارش را با (چیزی) مانند بردباری خشنود و اهریمن را با (چیزی) همانند خاموشی خشمگین نکرد و نادان با (چیزی) همانند دم فرو بستن در برابرش کیفر نشد. چه بسا سکوت رساتر از سخن گفتن است.

أَرَادَ (خواست): فعل ماضی / يَسَبُّ (دشنام می‌دهد): فعل مضارع / قَالَ (گفت): فعل ماضی / دَعَّ (رها کن): فعل امر / مَا أَرْضَى

(خوشنود نکرد): فعل ماضی / أَسْخَطَّ (خشمگین کرد): فعل ماضی

الْتَمَرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

تمرین سوم: این احادیث نبوی را ترجمه کن سپس خواسته شده از تو را مشخص کن.

۱. حُسْنُ الْخَلْقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمَبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ)

خوش‌خویی نیمی از دین است. حُسنُ: مبتدا، نِصْفُ: خبر



۲. مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (الفاعل و المفعول)

هر کس خلق و خوی اش بد باشد، خودش را عذاب می دهد. خُلُقُ: فاعل، نَفْسُ: مفعول

۳. اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (فعل الامر و الفعل الماضي)

خداوندا، همانطور که آفرینش مرا نیکو گردانیدی، پس اخلاقم را (نیز) نیکو گردان.

(خداوندا، همان طور که صورتم را زیبا آفریدی خُلُق و سیرتم را نیز نیکو گردان.)

فِعْلُ الْأَمْرِ: حَسَنْ، الْفِعْلُ الْمَاضِي: حَسَنْتَ

۴. لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (اسم التفضيل و الجار و المجرور)

در ترازوی اعمال چیزی سنگین تر از خوی نیک (خوش اخلاقی) نیست.

أثْقَلُ: اسم تفضيل، مِنَ الْخُلُقِ: جار و مجرور

الْتَّمَرِينَ الرَّابِعُ: تَرْجِمَ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيَّنَ اسْمَ الْمَكَانِ، وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ.

تمرین چهارم: آنچه آمده را ترجمه کن سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.

۱. رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ (الشُّعْرَاءُ: ۲۸) پروردگار مشرق و مغرب / الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ: اسم مکان

۲. (مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ) الْأَسْرَاءُ: ۱ از مسجد الحرام / الْمَسْجِدِ: اسم مکان

۳. يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ: ای شنواترین شنوندگان / أَسْمَعَ: اسم تفضیل

۴. يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ: ای بهترین آفرینندگان / أَحْسَنَ: اسم تفضیل

۵. يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ: ای بخشاینده ترین بخشاینندگان / أَرْحَمَ: اسم تفضیل

الْتَّمَرِينَ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ. تمرین پنجم: فعل ها و مصدرهای زیر را ترجمه کن.

المصدر	الأمر و النهي	المضارع و المستقبل	الماضي
إِحْسَانٌ: نیکی کردن	أَحْسِنْ: نیکی کن	يُحْسِنُ: نیکی می کند	قَدْ أَحْسَنَ: نیکی کرده است
اِقْتِرَابٌ: نزدیک شدن	لَا تَقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید	يَقْتَرِبُونَ: نزدیک می شوند	اِقْتَرَبَ: نزدیک شد
انْكَسَارٌ: شکسته شدن	لَا تَنْكَسِرْ: شکسته نشو	سَيَنْكَسِرُ: شکسته خواهد شد	انْكَسَرَ: شکسته شد
اسْتِغْفَارٌ: آمرزش خواستن	اسْتَغْفِرْ: آمرزش بخواه	يَسْتَغْفِرُ: آمرزش می خواهد	اسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست
مُسَافَرَةٌ: سفر کردن	لَا تُسَافِرْ: سفر نکن	لَا يُسَافِرُ: سفر نمی کند	مَا سَافَرْتُ: سفر نکردم
تَعَلُّمٌ: یاد گرفتن	تَعَلَّمْ: یاد بگیر	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می گیرند	تَعَلَّمَ: یاد گرفت
تَبَادُلٌ: عوض کردن	لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَتَبَادَلُونَ: عوض می کنید	تَبَادَلْتُمْ: عوض کردید
تَعْلِيمٌ: آموزش دادن	عَلِّمْ: آموزش بده	سَوْفَ يُعَلِّمُ: آموزش خواهد داد	قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است



# زنگ عربی

الْتَمْرِينُ السَّادِسُ عَيْنِ الْمَحَلِّ الْاِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ. تمرین ششم: محل اعرابی کلمات رنگ شده را مشخص کن.

۱. (فَاَنْزَلَ اللهُ سَكِيْنَتَهُ عَلٰى رَسُوْلِهِ وَ عَلٰى الْمُؤْمِنِيْنَ) الفتح: ۲۶

سَكِيْنَةٌ: مفعول / رَسُوْلٍ: مجرور به حرف جر

خداوند آرامش خود را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان فرو نازل کرد.

۲. (لَا يَكْلِفُ اللهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا) البقرة: ۲۸۶

الله: فاعل / نَفْسًا: مفعول

خداوند به هر کس فقط به اندازه توانایی‌اش تلیف می‌کند.

۳. أَعْبَدُ النَّاسِ، مَنْ أَقَامَ الْفَرَائِضَ. رسول الله (ص)

أَعْبَدُ: مبتدا / النَّاسِ: مضاف الیه

عبادت‌ترین مردم کسی است که واجبات را به پا دارد

۴. أَحَبُّ عِبَادِ اللهِ اِلَى اللهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رسول الله (ص)

أَحَبُّ: مبتدا / عِبَادِ: مضاف الیه / اللهُ: مجرور به حرف جر / أَنْفَعُ: خبر

محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خداوند، سودمندترین آن‌ها نسبت به بندگان است.

۵. عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أمير المؤمنين عليه السلام.

عَدَاوَةٌ: مبتدا / خَيْرٌ: خبر / صِدَاقَةٌ: مجرور به حرف جر

دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.

الْتَمْرِينُ السَّابِعُ عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ. تمرین هفتم: کلمه ناآشنا در هر مجموعه را مشخص کن.

۱. نماذج  حُمَيْرٍ نَعَالِبٍ ذَنَابٍ

نمونه‌ها / خران / رویاه‌ها / گرگ‌ها

۲. سروال  صُمْتٍ فُسْتَانٍ قَمِيصٍ

شلوار / سکوت / پیراهن زنانه / پیراهن

۳. مُعْرَضَةٌ  بَائِعَةٌ فَلَاحَةٌ قِيَمَةٌ

پرستار / فروشنده / کشاورز / ارزشمند

۴. أَحْمَرٌ  أَحْسَنُ أَجْمَلُ أَصْلَحُ

سرخ / نیکوترین / زیباترین / شایسته‌ترین

۵. أَصْفَرٌ  أَزْرَقُ أَبْيَضُ أَكْثَرُ

زرد / آبی / سفید / بیش‌تر

۶. خَدٌّ  سِنٌّ لِسَانٌ مَرَحٌ

گونه / دندان / زبان / شادمانه و با ناز و خودپسندی



# زنگ عربی

الْتَمَرِينَ الثَّامِنُ: ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. تمرین هشتم: در جای خالی کلمه‌ای مناسب قرار بده.

۱. اشْتَرَيْنَا ..... وَ فَسَاتَيْنَ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمَتَجَرِّ. سَرَاوِيلَ  أَشْهُرًا  مَوَاقِفَ   
چند شلوار و پیراهن با قیمت‌هایی ارزان در مغازه خریدیدم.

۲. ذَهَبَ الْعَامِلُ إِلَى بَيْتِهِ بَعْدَمَا ..... وَاجِبَاتِهِ بِدَقَّةٍ. ضَلَّ  سَاءَ  تَمَّمَ   
کارگر بعد از اینکه وظایفش را با دقت انجام داد، به خانه‌اش رفت.

۳. إِنَّا ..... هَدِيَّةً لِرَمِيلِنَا الْفَائِزِ فِي الْمُسَابَقَةِ. عَمَرْنَا  أَهْدَيْنَا  عَلَيْنَا   
بی‌گمان ما هدیه‌ای به دوستان برنده‌یمان دادیم.

۴. وَالذِّي يَشْتَغَلُ فِي مُؤَسَّسَةٍ ..... ثَقَافِيَّةٍ. تَرْبُويَةً  نَمُودَجَ  رُكُوبَ   
پدرم در مؤسسه تربیتی - فرهنگی به کار مشغول شد.

۵. يَا زَمِيلِي، دَعُ ..... كَ حَقِيرًا لِرِضَا اللَّهِ. شَاتِمَ  نَوْعِيَّةَ  أَسْعَارَ   
ای دوست من، برای رضای خدا سرزنش‌کننده‌ات را در حالی که کوچک است، رها کن.

۶. إِنَّ أَلَّ ..... آلَةً لِمَعْرِفَةِ وَزَنِ الْأَشْيَاءِ. مِفْتَاحَ  مِصْبَاحَ  مِيزَانَ   
بی‌گمان ترازو، وسیله‌ای برای شناخت وزن اشیاست.



## مترادف، متضاد، جمع مکسر

أَحَبُّ = أَفْضَلُ	رُؤْيَةٌ = مُشَاهَدَةٌ	يُرْشِدُ = يَدُلُّ	طَيِّبٌ = طَاهِرٌ
أَعْمَالٌ = أَفْعَالٌ	تَقَرُّبٌ = قُرْبٌ	مَوَاعِظٌ = نَصَائِحٌ	نَرَى = نُشَاهِدُ
سَنَةٌ = عَامٌ	ابْنٌ = وَلَدٌ	نَمُوذَجٌ = مِثَالٌ	يَهْتَدِي = يَدُلُّ
جَاءَ = أَتَى	بُنَى = وَلَدَى	مُنْكَرٌ = عَمَلُ السَّيِّئِ	عَزَمَ الْأُمُورَ = عَمَلُ الْمَهْمِ
خَيْرٌ = أَفْضَلُ	سَبِيلٌ = طَرِيقٌ	أَنْظُرُوا = شَاهِدُوا	وَجْهٌ = صُورَةٌ
أَرَادَ = طَلَبَ	كَلَامٌ = قَوْلٌ	سَكِينَةٌ = حِلْمٌ	فَلَّاحٌ = مُزَارِعٌ
بَيْتٌ = دَارٌ	أَنْكَرَ = أَقْبَحَ	مُخْتَالٌ = مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ	

آبَاءٌ ← أَبٌ	أُمّهَاتٌ ← أُمٌّ	أَوْلَادٌ ← وَلَدٌ	أَعْمَالٌ ← عَمَلٌ
عُلُومٌ ← عِلْمٌ	فُنُونٌ ← فَنٌّ	أَرَادِلٌ ← أَرْدَلٌ	أَفْضَلٌ ← أَفْضَلُ
كُتُبٌ ← كِتَابٌ	قَوَانِينٌ ← قَانُونٌ	عِبَادٌ ← عَبْدٌ	مَوَاعِظٌ ← مَوْعِظَةٌ
نَمَازِجٌ ← نَمُوذَجٌ	شَبَابٌ ← شَبَابٌ	أُمُورٌ ← أَمْرٌ	شَدَائِدٌ ← شَدِيدٌ
أَصْوَاتٌ ← صَوْتٌ	حَمِيرٌ ← حِمَارٌ	مَشَاكِلٌ ← مُشْكَلٌ	أَسَاتِذَةٌ ← أَسْتَاذٌ
أَصْدِقَاءٌ ← صَدِيقٌ	زُمَلَاءٌ ← زَمِيلٌ	جِيرَانٌ ← جَارٌ	أَقْرِبَاءٌ ← قَرِيبٌ
إِخْوَانٌ ← أَخٌ	عُيُوبٌ ← عَيْبٌ	بِهَائِمٌ ← بَهِيمَةٌ	أَسْعَارٌ ← سِعْرٌ
مَلَابِسٌ ← مَلْبَسٌ	فَسَاتِينٌ ← فُسْتَانٌ	سِرَاوِيلٌ ← سِرْوَالٌ	مَتَاجِرٌ ← مَتَجَرٌ
تَعَالِبٌ ← تَعَلَّبٌ	ذُنَابٌ ← ذَنْبٌ	مَوَاقِفٌ ← مَوْقِفٌ	مَوَازِينٌ ← مِيزَانٌ



# زنگ عربی

أَفْضَلُ ≠ أَرَاذِلُ	إِبْتِعَادٌ ≠ اقْتِرَابٌ	نَافِعٌ ≠ مُضِرٌّ	أَحْسَنُ ≠ أَقْبَحُ / أَنْكَرُ
شَدَائِدٌ ≠ مَصَاعِبٌ	مَعْرُوفٌ ≠ مُنْكَرٌ	جَاءَ ≠ ذَهَبَ	حُسْنٌ ≠ قُبْحٌ
أَعْلَى ≠ أَرْخَصٌ	أَعْلَى ≠ أَسْفَلٌ	مُتَوَاضِعٌ ≠ مُتَكَبِّرٌ	أَصْدِقَاءٌ ≠ أَحِبَّاءٌ
قَدِيمٌ ≠ حَدِيثٌ	لَيْلٌ ≠ نَهَارٌ	مَلِكٌ ≠ هَلَكٌ	أَقْلٌ ≠ أَكْثَرٌ
سَاءٌ ≠ حَسَنٌ	كَثِيرٌ ≠ قَلِيلٌ	رِجَالِيٌّ ≠ نِسَائِيٌّ	غَالِيَةٌ ≠ رَخِيصَةٌ
	عَدَاوَةٌ ≠ صَدَاقَةٌ	عَاقِلٌ ≠ جَاهِلٌ	إِحْسَانٌ ≠ إِسَاءَةٌ





## فعل‌های مهم درس

مصدر	نهی	امر	مضارع	ماضی
تَعَلَّمَ	لا تَقْتَرِبُوا	اسْتَخْرِجْ	يُحِبُّ	قَالَ
اِبْتِعاد	لا تَتَكَبَّرْ	دَع	يُرْشِدُونَ	شَبَّهَ
تَقَرُّبُ	لا تُسَافِرْ	ضَع	نَرَى	اسْتَهْلَكَ
اهْتِمَام	لا تَتَبَادَلُوا	عَيَّن	يُقَدِّمُ	غَضَّ
احْتِرَام	لا تَمْشِ	أَحْسِنِ	لِيَهْتَدِيَ	قَصَدَ
اِقْتِصاد	لا تُصَعِّرْ	اسْتَغْفِرْ	يُحَافِظُ	أَقَامَ
اسْتِهْلَاك		تَعَلَّمَ	نَكُونُ	اِقْتَصَدَ
أداء		عَلَّمَ	أَنْ تَتَوَاضَعَ (منصوب)	نَهَى
إعْجاب		تَرَجِمَ	تَعْمُرُ	عَمَّرَ
تَفَكُّرُ		اِغْفِرْ	أَنْ تَتَكَبَّرَ (منصوب)	مَشَى
حَمَل		إِرْحَمِ	أَنْ تَرْفَعَ	اهْتَدَى
إِحْسان		حَى	يَرْفَعُ	قَدَّمَ
اِقْتِرَاب		أَغْضَضُ	يَسْتَهْلِكُ	جَمَعَ
انْكِسار		اِقْصِدْ	يَغْضُ	أَهْدَسَ
اسْتَغْفَار		أَوْمُرْ	يَقْصِدُ	غَلَبَتْ
مُسَافِرَة		انْهَ	يُقِيمُ	ضَلَّ
تَعَلَّمَ		أَقِمِ	يَقْتَصِدُ	كَانَتْ
تَبَادُلُ		اصْبِرْ	يَنْهَى	صَارَ
تَعْلِيم		حَسِّنِ	يُشَبِّهُ	أَرَادَ
رِضا			يُصَعِّرُ	عُوقِبَ (مجهول)
مَعْرِفَة			يَمْشِي	أَسْخَطَ
اِفْتِتاح			يُقَدِّمُ	سَاءَ
دُعَاء			تَتَكَلَّمُ	عَدَبَ
			أَنْ نُحَافِظَ (منصوب)	بُعِثْتُ
			لا يَعْتَقِدُ (منفي)	حَسَّنَتْ
			لا يَجْتَمِعُ (منفي)	لَيْسَ
			يَخْتَلِفُ	أَسْمَعُ
			أُرِيدُ	أَحْسِنَ
			لا يَرَى (منفي)	أَرْحَمَ
			يَفْتَخِرُ	أَحْسَنَ



			يُسْتَخْدَمُ (مجهول)	اِقْتَرَبَ
			لَا تُتَمِّمُ (منصوب)	اِنْكَسَرَ
			يَلِي	اِسْتَغْفَرَ
			يُحْسِنُ	مَا سَافَرْتُ (منفی)
			يَقْتَرِبُونَ	تَعَلَّمَ
			سَيَنْكَسِرُ (مستقبل)	تَبَادَلْتُمْ
			يَسْتَغْفِرُ	عَلَّمَ
			لَا يُسَافِرُ (منفی)	أَنْزَلَ
			يَتَعَلَّمَانِ	اشْتَرَيْنَا
			تَتَبَادَلُونَ	ذَهَبَ
			سَوْفَ يَعْلَمُ (مستقبل)	تَمَّمَ
			لَا يُكَلِّفُ (منفی)	عَمَرْنَا
			أَنْ يَسُبَّ (منصوب)	غَلَبْنَا
			تَبَدُّأً	أَمَّنَا
				جَاءَ
				أَصَابَ



## تقلب نامه

اسم مکان	اسم تفضیل	ردیف
مَلْعَب	أَحْسَن	۱
مَطْعَم	أَرَادِل	۲
مَصْنَع	أَفْضَل	۳
مَطْبَخ	أَنْكَر	۴
مَوْقِف	أَقْبَح	۵
مَنْزِل	أَكْبَر	۶
مَكْتَبَة	أَعْلَى	۷
مَطْبَعَة	أَفْضَل	۸
مَدَارِس	أَنْفَع	۹
مَلَاعِب	أَعْلَى	۱۰
مَطَاعِم	أَحَبَّ	۱۱
مَنَازِل	أَقَلَّ	۱۲
مَنْجَر	كُبْرَى	۱۳
مَشْرِق	صُغْرَى	۱۴
مَغْرِب	أَعْلَم	۱۵
مَسْجِد	خَيْرٌ مِنْ	۱۶
	شَرُّ النَّاسِ	۱۷
	أَبْلَغ	۱۸
	أَحْمَق	۱۹
	أَثْقَل	۲۰
	أَسْمَع	۲۱
	أَرْحَم	۲۲
	أَجْمَل	۲۳
	أَصْلَح	۲۴
	أَكْثَر	۲۵



## خلاصه قواعد

معادل « صفت برتر » / « صفت برترین »

مذکر: بر وزن « أَفْعَل »

مؤنث: بر وزن « فُعَلَى »

برای مقایسه بین دو اسم مؤنث بر وزن « أَفْعَل » می آید

به شکل « أَفْعَى، أَفْلًا » نیز می آید

جمع اسم تفضیل « أَفَاعِلِ »

آخِر / أُخْرَى

اگر بر « رَنگ » یا « عیب و نقص » دلالت کند اسم تفضیل نیست

اسم تفضیل

من: معنای « صفت برتر »

مضافٌ إِلَيْهِ: معنای « صفت برترین »

بعد از اسم تفضیل

با حرف جرّ « مِنْ » معنای « بهتر از / بدتر از »

با مضافٌ إِلَيْهِ معنای « بهترین / بدترین »

بعد از آن « لا » ی نفی جنس باشد اسم تفضیل نیست

خیر و شرّ

مَفْعَل

مَفْعِل

مَفْعَلَةٌ

جمع اسم مکان بر وزن « مَفَاعِلِ » می آید

وزن های فرعی: مَفَلّ، مَفَال، مَفْعَى

اسم مکان



## تمرین تکمیلی

التمرین الاول:

صَحَّحِ الأَخْطَاءَ فِي تَرْجَمِهِ العِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

۱- أُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا، هَذِهِ الأَسْعَارُ غَالِيَةٌ لِلْفَسَّاتِينَ:

از این ارزان تر بده، این قیمت‌ها برای شلوارها بالاست.

۲- خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ:

بهترین برادران (دوستان) شما کسی است که عیبتان را به شما گوشزد کند.

۳- شَبَّهَ اللهُ كَلَامَ مَنْ يَرْفَعُونَ صَوْتَهُمْ دُونَ دَلِيلِ مَنْطِقِيَّ بِصَوْتِ الحِمَارِ:

خداوند سخن کسی که صدایش را بدون دلیل منطقی بالا می‌برد به صدای الاغ تشبیه می‌کند.

۴- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ:

هرکس اخلاقش بد باشد خودش عذاب می‌کشد.

التمرین الثاني:

تَرْجِمِ العِبَارَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ المَطْلُوبَ مِنْكَ.

۱- فَأَنْزَلَ اللهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى المُؤْمِنِينَ

..... المفعول: ..... الفاعل: .....

۲- وَجَادِلْهُمْ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

..... مصدر فعل الجملة: ..... اسم التفضيل: .....

۳- رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ

..... فعل ماضٍ: ..... الخَيْرُ: .....

۴- أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.

..... المجرور بحرف الجار: ..... المضاف اليه: .....

۵- جُنْدِي سَابُورٍ مِنْ أَكْبَرِ مَكَاتِبِ فِي العَالَمِ القَدِيمِ.

..... اسم المكان: ..... الصفه: .....



التمرین الثالث:

إنتخب المطلوب منك.

- ۱- اسم التفضیل: مكارم أفاضل مفسر
- ۲- اسم المكان: السوق الجبال الموقف
- ۳- اسم التفضیل: أزرق أحمق أفضل
- ۴- اسم التفضیل: سوداء أخضر دنيا
- ۵- الفعل المجهول: يقبلون سمي أعوذ
- ۶- اسم المكان: المتاجر المحاسن المشاكل

التمرین الرابع:

عین المحل الإعرابی للكلمات التي تحتها خطٌ.

- ۱- الحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ.
- ۲- إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ يُحَافِظُ عَلَى الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا.
- ۳- يُحِبُّ الآبَاءُ وَ الْأُمَّهَاتُ رُؤْيَةَ أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ وَ لِذَلِكَ يُرْشِدُونَهُمْ إِلَى الصِّفَاتِ الطَّيِّبَةِ.
- ۴- هَذَا نَمُودَجٌ تَرْبَوِيٌّ لِيَهْتَدِيَ بِهِ كُلُّ الشَّبَابِ.



## پاسخ تمرین تکمیلی

التمرین الاول:

- ۱- ترجمه صحیح: ارزان تر از این (از این ارزان تر) می خواهم (أریدُ)؛ این قیمت ها برای پیراهن زنانه (للفساتین) گران است (غالیة).
  - ۲- ترجمه صحیح: بهترین برادران (دوستان) شما کسی است که عیب هایتان (عیوب: جمع) را به شما هدیه کند (أهدی).
  - ۳- خداوند سخن (کسانی که) صدایشان را بدون (دلیل منطقی-یک دلیل منطقی) بالا می برد به صدای (خر) تشبیه کرد.
  - ۴- ترجمه صحیح: هرکس اخلاقش بد شد (شود)، خودش را عذاب می دهد (عذاب داده است).
- عَذَبَ بر وزن فَعَلَ از باب تفعیل و متعدی است و نفس که مفعولش می باشد، بنابراین (خودش را عذاب می دهد) ترجمه صحیح است.

التمرین الثاني:

- ۱- مفعول: سَكِينَةٌ؛ (ه) در (سَكِينَتُهُ): مضاف الیه است، زیرا ضمیر به اسم چسبیده است / فاعل: اللهُ، زیرا اسم مرفوعی است که بعد از فعل معلوم آمده است. (سایر نکات مهم: أنزلَ: فعل ثلاثی مزید از باب افعال و مصدر آن إنزال است).
  - ۲- ترجمه عبارت: با آن ها به روشی که بهتر (بهترین-خوب) است ستیز کن (بحث کن-گفتگو کن)  
مصدر فعل (جادلهم): مُجَادَلَةٌ، يُجَادِلُ، جَادِلٌ، مُجَادِلَةٌ / اسم تفضیل: أَحْسَنَ
  - ۳- پروردگارا ایمان آوردیم، ما را بیامرز و به ما رحم کن (مهربانی کن) و تو بهترین رحم کنندگان (مهربانان) هستی.
  - ۴- داناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خود بیفزاید (اضافه کند) (علم مردم را با علم خود جمع کند)  
مجرور به حرف جر: علم در (إلی علمه) / مضاف الیه: الناس در (أعلمُ الناس) و الناس در (علمُ الناس)، همچنین ضمیر (ه) در (علمه) مضاف الیه است زیرا اگر ضمیر به اسم بچسبد مضاف الیه است.
  - ۵- جندی شاپور از بزرگترین مکتب ها (کتابخانه ها) در جهان قدیم است.
- اسم مکان: المَکَاتِبُ، زیرا مفردش (مَکْتَبَةٌ) بر وزن (مَفْعَلَةٌ) است و همچنین بر مکان هم دلالت دارد، بنابراین هر دو شرط اسم مکان (وزن-معنی) را دارد.
- صفت: القَدِيمُ: زیرا قبلش اسمی دارای ال یا تنوین آمده است و باهم، هم علامت هستند / أَكْبَرُ: اسم تفضیل مذکر است  
كُبْرَى: اسم تفضیل مؤنث است.



التمرین الثالث:

۱- أفاضل: زیرا مفردش (أَفْضَلُ) است بر وزن (أَفْعَلُ). بنابراین اسم تفضیل است.

نکته مهم: اگر اسمی جمع باشد مفردش را در نظر می‌گیریم تا ببینیم اسم تفضیل، اسم مکان و ... هست یا نه.

۲- المَحْمَل: اسم مکان است زیرا مانند (مَسْجِد) بر وزن (مَفْعَل) است و بر مکان هم دلالت دارد.

مَحْمَل: كَجَاوَه = اتافک چوبی که روی اسب یا شتر و ... قرار می‌دهند تا فردی داخل آن بنشیند. (تخت روان)

۳- أَفْضَلُ: اسم تفضیل است زیرا بر وزن (أَفْعَل) است و در ترجمه بر (تر-ترین) (بهر-بهترین) دلالت دارد. اما (أَرْزَقُ) با اینکه بر

وزن (أَفْعَل) است، اسم تفضیل است. زیرا اسم‌هایی مانند (أَرْزَقُ-أَسْوَدُ-أَحْمَرُ و ...) بر رنگ دلالت دارند و یا مانند (أَبْكَم: لال) بر عیب دلالت دارند، اسم تفضیل نیستند.

۴- دُنْيَا: اسم تفضیل است بر وزن (فُعْلَى) و مذکر آن (أَدْنَى) بوده است. (أَخْضَر: سبز، سَوْدَاء: سیاه) بر رنگ دلالت دارند و اسم تفضیل نیستند.

نکته مهم: مونث طالب: طالبه / مونث تلمیذ: تلمیذه است و اکثر اسم‌ها موقع مونث (ه) گرد می‌گیرند.

۵- سُمِّيَ: فعل ماضی است و قافیه‌ای مانند (كُتِبَ) دارد. یعنی حرف عین الفعل (یکی مانده به آخر) کسره دارد و حرف اول ضمه

دارد. بنابراین مجهول است.

مَتَاجِر، اسم مکان است زیرا ۲ شرط هم زمان دارد: ۱- مفرد آن (مَتَجَرَ) بر وزن (مَفْعَل) / ۲- بر مکان دلالت دارد. اما مَحَاسِن،

جمع (حُسن) است به معنی خوبی‌ها، نیکویی‌ها / مَشَاكِل: جمع (مُشْكَل) است که این ۲ اسم نه بر مکان دلالت دارند و نه بر وزن

(مَفْعَل - مَفْعَل - مَفْعَلَه) هستند.

التمرین الرابع:

۱- الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَلَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ.  
حِبر مضاف الیه

حکمت در قلب (انسان) فروتن ماندگار می‌شود و در قلب انسان (ستمگر) ماندگار نمی‌شود

۲- إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ يُحَافِظُ عَلَى الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا.  
مفعول مجرور به حرف جز

خداوند کسی را که نماز را در وقتش نگاه می‌دارد، دوست دارد.

۳- يُحِبُّ الْآبَاءُ وَالْأُمَّهَاتُ رُؤْيَهُ أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ وَلِذَلِكَ يُرْشِدُونَهُمْ إِلَى الصِّفَاتِ الطَّيِّبَةِ.  
فاعل مفعول صفت

پدران و مادران دیدن فرزندان‌شان در بهترین حالت را دوست دارند و به همین خاطر آن‌ها را به (سمت) ویژگی‌های خوب راهنمایی می‌کنند.

۴- هَذَا نَمُودَجٌ تَرْبَوِيٌّ لِيَهْتَدِيَ بِهِ كُلُّ الشَّبَابِ.  
مبتدا فاعل

این الگویی تربیتی است تا به وسیله آن همه خوبان هدایت شوند.